

مطالعی  
بر طرح

باز آرای

ساختار و سازمان

دانشگاه

فرهنگیان

(یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)

## شناسنامه

عنوان:

مطالعه ای بر طرح «بازآرایی ساختار و  
سازمان دانشگاه فرهنگیان  
(یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)»

تهیه و تنظیم:

حدیث خسرو بیگی  
مبارکه عباس آبادی

محمد عباسی، ملیحه محمدیان  
مهدی دارآفرین، فاطمه شادپور

تعداد صفحه: ۲۳ صفحه

تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۴



معاونت سیاست و رزری  
مرکز بسیج دانشجویی  
دانشگاه فرهنگیان

# فهرست

|    |                                                                                                           |
|----|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵  | چکیده                                                                                                     |
| ۶  | مقدمه                                                                                                     |
| ۷  | مدل نظری پژوهش: الگوی سیاست‌گذاری تربیت معلم مبتنی بر وظیفه ملی دانشگاه فرهنگیان                          |
| ۷  | مبانی نظری مدل                                                                                            |
| ۸  | پشتوانه‌های سیاستی و اسناد بالادستی مرتبط با مأموریت دانشگاه فرهنگیان                                     |
| ۸  | ساختار و سازمان جدید دانشگاه فرهنگیان؛ دیدگاه موافقان و مخالفان                                           |
| ۹  | ضرورت نقد این تصمیم                                                                                       |
| ۱۰ | تهدیدهای اجرایی‌سازی طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)» |
| ۱۰ | ۱- فاصله گرفتن از مأموریت تربیت معلم                                                                      |
| ۱۱ | ۲- تمرکززدایی و تهدیدهای امنیتی-فرهنگی                                                                    |
| ۱۴ | ۳- ناترازی زیرساخت‌های فعلی با انتظارات ساختار جدید                                                       |
| ۱۶ | تمرکززدایی در تربیت معلم در دو بافت ساختاری متفاوت: تجربه عملی آلمان و چشم‌انداز پیشنهادی فرانسه          |
| ۱۶ | فرانسه                                                                                                    |
| ۱۷ | آلمان                                                                                                     |
| ۱۸ | ویژگی‌های کلیدی تربیت معلم آلمان                                                                          |
| ۱۹ | مطالعات تطبیقی: بررسی ساختار تربیت معلم در کشورهای مشابه فرهنگی (ترکیه، مصر، اندونزی)                     |
| ۱۹ | ترکیه: تمرکز با انعطاف ساختاری                                                                            |
| ۱۹ | مصر: کنترل متمرکز برای مقابله با چالش‌های فرهنگی و سیاسی                                                  |
| ۲۰ | اندونزی: الگوی تلفیقی در جامعه‌ای چندقومیتی                                                               |
| ۲۰ | نتیجه‌گیری                                                                                                |
| ۲۲ | منابع                                                                                                     |



## مطالعه‌ای بر طرح بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ابعاد، فرصت‌ها، چالش‌ها، نکات ضعف و قوت و پیامدهای ناشی از طرح ساختار جدید دانشگاه فرهنگیان به موجب اجرای ماده ۷ احکام و ضوابط کیفیت بخشی به دانشگاه فرهنگیان با عنوان «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)» است؛ طرحی که با هدف تمرکززدایی از ساختار موجود و توسعه کمی و ساختاری دانشگاه فرهنگیان، درصدد تبدیل این دانشگاه به یک دانشگاه ملی و ۳۱ واحد مستقل در سطح استان‌هاست. این مطالعه به روش تحلیلی-توصیفی و با رویکرد تطبیقی انجام شده و با بهره‌گیری از منابع نظری، اسناد بالادستی و تجارب بین‌المللی تلاش دارد با نگاهی جامع و انتقادی، ابعاد منفی و مثبت طرح را واکاوی کند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد ضمن اجرای هوشمندانه، دقیق و با نظارت کامل طرح مذکور و رخداد تغییرات ساختاری و سازمانی با افزایش اختیارات مدیریتی در استان‌ها باشد و حتی تمرکززدایی مدنظر با راهبری و نظارت دانشگاه ملی انجام شود، نه تنها به حل مشکلات منجر نمی‌شود، بلکه چالش‌های اساسی همچون فاصله گرفتن از مأموریت تربیت معلم، تضعیف هویت ملی و کاهش انسجام دانشگاه فرهنگیان، کاهش کیفیت تربیت معلم به واسطه تفاوت منابع انسانی و مالی استان‌ها، واگرایی گفتمان‌های تربیتی، نفوذ جریان‌های محلی و تضعیف اقتدار حاکمیتی در سیاست‌گذاری‌های کلان و تهدید اصل موضوع وجود دانشگاه فرهنگیان از جمله تهدیدات جدی این طرح به‌شمار می‌رود. مطالعات تطبیقی انجام شده بر روی کشورهای آلمان، فرانسه، ترکیه، مصر و اندونزی نشان می‌دهد که تمرکززدایی در حوزه تربیت معلم، تنها زمانی

موفقیت آمیز است که با حفظ سیاست‌گذاری مرکزی، نظام نظارت یکپارچه، استانداردسازی محتوای آموزشی و ارزیابی عملکرد همراه باشد. تجربه موفق آلمان در اجرای مدل فدرالی با نظارت مرکزی، و نیز تجربه اندونزی در ایجاد تعادل میان تنوع فرهنگی و انسجام ملی، می‌تواند به عنوان الگوهایی راهگشا برای ایران تلقی شود. در پایان، با توجه به تحلیل‌های نظری و تطبیقی، پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند اجرا و استقرار ساختار جدید می‌بایست متوقف گردد و ابتدایاً توجه به حرکت تمدنی انقلاب اسلامی، اقتضائات تربیت معلم در این مسیر و تنوع‌های بومی، فرهنگی و گفتمانی، مفاهیم مطلوب متناسب با نیازهای بیان شده تعریف شوند و در مراحل آتی به سراغ تغییرات ساختاری در نهادهای مربوطه حرکت کرد. سپس پیشنهاد اجرای مدل «نیمه متمرکز» را ارائه می‌دهد که در آن، دانشگاه فرهنگیان مرکزی به عنوان مرجع راهبری و سیاست‌گذاری باقی می‌ماند، در حالی که استان‌ها از اختیارات اجرایی، پژوهشی و فرهنگی در چارچوب مشخص شده توسط اسناد بالادستی و دانشگاه ملی برخوردار می‌شوند. این مدل با ایجاد توازن میان وحدت و تنوع، می‌تواند راهکار مناسبی برای ارتقای کارایی و اثربخشی نظام تربیت معلم در ایران باشد.

## مقدمه

دانشگاه فرهنگیان، به عنوان نهاد اصلی تربیت معلمان در کشور، نقشی اساسی و محوری در نظام آموزشی ایران دارد. در سال جاری، طرحی با عنوان «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)» مطرح و در تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ تصویب شده است که بر اساس آن، دانشگاه فرهنگیان به ۳۱ واحد استانی مستقل و یک واحد ملی تبدیل شده و مدیریت هر واحد به استان مربوطه سپرده می‌شود. این طرح در ظاهر، هدف تمرکززدایی و تطبیق بهتر با نیازهای محلی را دنبال می‌کند، اما به دلیل فقدان نگاه ماموریتی و عدم طراحی ساختار در تناسب رسالت‌های تربیت معلم و داشتن وجوه اختصاصی مانند دیگر دانشگاه‌های تربیت نیروی انسانی، نبود پشتوانه و زیرساخت اجرایی در موقعیت فعلی، توجیهات علمی و چالش‌های مدیریتی، نقدهای جدی را با خود همراه کرده است. بررسی این طرح، فرصتی برای واکاوی عمیق‌تر نقاط ضعف و قوت آن فراهم می‌کند. این طرح که به دنبال تمرکززدایی از ساختار آموزشی دانشگاه فرهنگیان و تضعیف شان ملی و مرکزیت آن است، در ظاهر اهداف قابل توجهی نظیر استقلال مدیریتی استان‌ها و تطابق بیشتر با نیازهای منطقه‌ای را دنبال می‌کند اما در واقع، اجرای این تغییرات بدون برنامه‌ریزی دقیق و زیرساخت‌های مناسب و نظارت مداوم، می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. عدم تناسب ساختار سازمانی با ماموریت دانشگاه، کاهش هماهنگی میان دانشگاه‌های استانی، تفاوت در کیفیت آموزش و تضعیف جایگاه ملی دانشگاه فرهنگیان از جمله نگرانی‌های جدی مطرح شده هستند. در این راستا، بررسی علمی و دقیق این طرح از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه دانشگاه فرهنگیان نه تنها وظیفه تربیت نیروی انسانی برای نظام آموزشی کشور را بر عهده دارد، بلکه به عنوان نهادی با هویت ملی، باید نقشی وحدت‌بخش میان استان‌ها ایفا کند. تمرکززدایی بی‌قید و شرط، بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم و سیاست‌گذاری‌های منسجم، می‌تواند به نابرابری آموزشی و کاهش کیفیت تربیت معلم ملی منجر شود. از این رو، هدف این نقدنامه آن است که ضمن بررسی دقیق این طرح، راهکارهایی برای حفظ انسجام و ارتقای کیفیت ارائه دهد. امید است این پژوهش پایه‌ی پژوهش‌های بعدی قرار گیرد و مسئولین مربوطه نیز نسبت به این طرح و تبعات ناشی از آن اهتمام لازم را داشته باشند.

## مدل نظری پژوهش: الگوی سیاست‌گذاری تربیت معلم مبتنی بر وظیفه‌ملی دانشگاه‌فرهنگیان

طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)»، به معنای ایجاد ۳۱ دانشگاه مستقل در هر استان کشور است. در این طرح، بخش عظیمی از حیطه اختیارات دانشگاه مرکزی (ملی) حذف شده و مدیریت هر دانشگاه استانی به مسئولان محلی واگذار می‌شود. هدف اصلی این طرح، تمرکززدایی، پاسخگویی به نیازهای منطقه‌ای و بومی و افزایش کارآمدی مدیریتی است. با این حال، این طرح با انتقاداتی مواجه است که از جمله‌ی آن می‌توان به احتمال کاهش کیفیت آموزشی، تضعیف هویت ملی دانشگاه، ایجاد نابرابری میان استان‌ها و نبود زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری مناسب برای اجرایی کردن آن اشاره کرد. این نقدنامه بر اساس مدل «سیاست‌گذاری مبتنی بر مأموریت» شکل گرفته است. در این مدل، تربیت معلم نه یک فعالیت دانشگاهی عمومی، بلکه یک مأموریت حاکمیتی و تمدنی تلقی می‌شود که باید مبتنی بر اسناد زیر تعریف و هدایت شود:

● سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

● بیانیه گام دوم انقلاب

● سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش

● اساسنامه دانشگاه فرهنگیان

بر اساس این اسناد، دانشگاه فرهنگیان نهاد تولید معلمی با ویژگی‌های زیر است:

● مؤمن، انقلابی و هویت‌مند

● دارای صلاحیت حرفه‌ای و اخلاقی

● عامل انسجام ملی و فرهنگی کشور

● حافظ عدالت تربیتی و آموزشی

و مأموریت آن بازآفرینی هویت تربیتی و فرهنگی معلم ایرانی-اسلامی می‌باشد؛ نه شبیه‌سازی با دانشگاه‌های عمومی یا توسعه بروکراتیک استانی.

### مبانی نظری مدل

| توضیح                                                       | بعد نظری                   |
|-------------------------------------------------------------|----------------------------|
| تربیت معلم به عنوان مأموریت حاکمیتی و تمدنی                 | مأموریت‌گرایی و وظیفه‌نگری |
| حفظ وحدت تربیتی، هویتی و استاندارد ملی معلم                 | تمرکز سیاست‌گذاری فرهنگی   |
| جلوگیری از نابرابری منطقه‌ای در کیفیت تربیت معلم            | عدالت آموزشی               |
| استمرار نقش دانشگاه به عنوان مرجع و نگهبان هویت آموزشی کشور | اقتدار تربیتی              |
| تربیت معلم با گفتمان واحد «هویت ایرانی-اسلامی»              | وحدت گفتمانی               |

تمرکززدایی در حوزه تربیت معلم تنها زمانی ممکن است که به تضعیف هویت ملی معلم، تضعیف انسجام گفتمانی تربیت و تضعیف عدالت آموزشی منجر نشود. در غیر این صورت، چنین تغییر ساختاری با فلسفه وجودی دانشگاه فرهنگیان تعارض دارد و منجر به چندپارگی هویتی تربیت معلم، منطقه‌ای شدن استانداردهای تربیتی و اختلال در نقش راهبردی دانشگاه در انسجام ملی می‌شود.

## پشتوانه‌های سیاستی و اسناد بالادستی مرتبط با مأموریت دانشگاه فرهنگیان:

تحلیل ساختار و آینده‌نگاری دانشگاه فرهنگیان ناگزیر باید بر مبنای اسناد بالادستی نظام تربیت معلم و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد. بررسی این اسناد نشان می‌دهد که فلسفه وجودی دانشگاه فرهنگیان بر یکپارچگی هویتی، انسجام ساختاری، مأموریت‌گرایی ملی و هدایت متمرکز تربیت معلم استوار است و هیچ‌یک از اسناد رسمی کشور، الگوی تفکیک و استقلال استانی این دانشگاه را تأیید نمی‌کنند. برعکس، تمامی اسناد، بر حفظ ماهیت ملی و مأموریت تمدنی تربیت معلم تأکید دارند.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |                                     |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------|
| در این سند، به‌ویژه در اهداف کلان ۱ و ۳ و راهبردهای ۱-۷ و ۲-۳، بر ضرورت تربیت معلم مؤمن، هویت‌مند و برخوردار از صلاحیت حرفه‌ای در چارچوب نظام واحد، منسجم و ملی تربیت معلم تأکید شده است. این سند، «یکپارچگی هویتی و ساختاری معلمان» را از عناصر بنیادین عدالت آموزشی و انسجام فرهنگی کشور برمی‌شمارد. | سند تحول بنیادین آموزش و پرورش      |
| در بندهای ۳، ۵، ۹ و ۱۱ این حکم، دانشگاه فرهنگیان «مرکز ثقل تربیت معلم کشور» معرفی شده و حفظ اقتدار، انسجام و هدایت ملی در تربیت معلم مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین ایجاد نظام صلاحیت حرفه‌ای واحد و فراگیر در سطح کشور به عنوان مبنای شایستگی معلمان مطرح شده است.                                 | سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش |
| در مواد ۱، ۲ و ۳ اساسنامه، دانشگاه فرهنگیان «نهاد ملی تربیت معلم» تعریف شده و مأموریت آن ایجاد وحدت فکری، تربیتی و علمی معلمان کشور معرفی شده است. همچنین در ماده ۸ بر ضرورت سیاست‌گذاری واحد، هدایت متمرکز و نظارت ملی تأکید شده است.                                                                 | اساسنامه دانشگاه فرهنگیان           |
| در این سند، دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای تربیت سرمایه انسانی تراز انقلاب اسلامی معرفی می‌شوند و بر ضرورت هویت‌سازی تمدنی، یکپارچگی در تربیت نیروی انسانی و تمرکز بر تربیت نخبه انسانی مؤمن و امیدآفرین تأکید شده است.                                                                                   | بیانیه گام دوم انقلاب               |

بر اساس تحلیل اسناد بالادستی: طرح ارائه شده توسط دانشگاه فرهنگیان به سازمان اداری و استخدامی کشور فاقد پشتوانه سیاستی بوده و با اصول حاکم بر تربیت معلم در جمهوری اسلامی ایران در تعارض بنیادین قرار دارد.

این اسناد صریحاً بر یکپارچگی هویت تربیت معلم، انسجام ساختار ملی، هدایت و نظارت متمرکز نظام تربیت معلم، مأموریت‌گرایی تمدنی و تربیتی تأکید دارند؛ لذا الگوی «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان» (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی) نه تنها مستند به اسناد رسمی نیست، بلکه خلاف سیاست‌های کلان نظام است و می‌تواند به چندپارگی هویتی، نابرابری آموزشی، افت استاندارد معلمی و تضعیف انسجام فرهنگی کشور منجر شود.

## ساختار و سازمان جدید دانشگاه فرهنگیان؛ دیدگاه موافقان و مخالفان

در طرح جدید و مصوب، پردیس‌ها و مراکز فعلی به تفکیک خواهران و برادران حذف و به جای آن، دانشکده‌های استانی ایجاد می‌گردند. همچنین در جایگزینی مدیریت امور پردیس‌ها در استان، «دانشگاه فرهنگیان استانی» و در سطح ملی «دانشگاه ملی فرهنگیان» تأسیس خواهد شد. دانشکده‌های تخصصی و در تناسب با عنوان آن گروه‌های آموزشی جدیدی در سطوح دانشگاه‌های استانی شکل می‌گیرند. ساختار جدید متناسب با الگو و استانداردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و تعاریف عام دانشگاه طراحی شده است. با این تفاوت که

باتوجه به شرایط استان‌ها، آن‌ها را در چهاررده تقسیم می‌کند و هررده تفاوت‌های ساختاری با رده قبلی خود دارد. ۱ استان در رده اول، ۸ استان در رده دوم و سوم و ۲۳ استان در رده چهارم قرار می‌گیرند. موافقان طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)» بر این باورند که این تصمیم می‌تواند منجر به ارتقای عملکرد و بهره‌وری آموزشی در استان‌ها شود. استقلال هر استان در اداره دانشگاه‌ها می‌تواند به آن‌ها، این امکان را بدهد که براساس نیازهای بومی و منطقه‌ای خود برنامه‌ریزی کنند و به تناسب با شرایط خاص هر استان، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود را تنظیم کنند. همچنین، این تغییر می‌تواند میزان پاسخگویی هر استان نسبت به سیاست‌های خویش بالا ببرد. از دیگر مزایای این طرح، می‌توان به تمرکز بیشتر بر نیازهای منطقه‌ای، تسهیل دسترسی به آموزش برای دانشجویان استان‌های دور افتاده، و توسعه متوازن زیرساخت‌های آموزشی در سراسر کشور اشاره کرد.

اگرچه گزارش فعلی به جهت اعلام مخالفت و نقد این تصمیم نگارش شده است و علت‌های مخالفان طرح بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی) را به صورت کامل بیان خواهد اما لازم به ذکر است که این گروه نگرانی‌هایی درباره ویژگی‌های اختصاصی و ماموریتی این نهاد همچون دیگر دانشگاه‌های تربیت نیروی انسانی دارند. آن‌ها بر این باورند که پیاده شدن ساختار جدید می‌تواند منجر به حذف شدن ماموریت و رسالت این دانشگاه و نیز کاهش استانداردهای آموزشی و پژوهشی شود که این امر منجر به کاهش کیفی و یکپارچگی سیستم آموزشی نیز می‌گردد. در صورتی که هر استان مدیریت خود را به عهده بگیرد، تفاوت‌های قابل توجهی در کیفیت آموزش، منابع مالی و امکانات آموزشی بین استان‌ها به وجود می‌آید. این امر می‌تواند به نابرابری در آموزش معلمان منجر شود. همچنین، فقدان هماهنگی بین دانشگاه‌ها و مشکلات مدیریتی و مالی برخی از استان‌ها می‌تواند تهدیدی برای استمرار و ثبات این دانشگاه‌ها باشد. مخالفان همچنین معتقدند که دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک نهاد مرکزی می‌تواند با ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی در سطح ملی، بازدهی بیشتری داشته باشد و تمرکز بر نیازهای خاص هر استان ممکن است به تشتت و ناکارآمدی منتهی شود.

لازم به ذکر است از نظر مخالفان طرحی که بدون دریافت و اجماع نظر کارشناسان تعلیم و تربیت طراحی شده باشد، آورده‌ای جز بحران مذکور نخواهد داشت.

### ❖ **ضرورت نقد این تصمیم**

ضرورت نقد طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)» از دو منظر مسائل مبنايي (رویکردی) و مسائل اقتضائی (اجرایی) قابل بررسی است. اولاً، این تصمیم تأثیر عمیق و جبران‌ناپذیری بر آموزش کشور دارد و ممکن است موجب تغییرات گسترده در نظام تربیت معلم، ساماندهی منابع انسانی، عدالت آموزشی و انسجام ملی دانشگاه فرهنگیان شود. ثانیاً، اجرای طرح بدون زیرساخت‌های مناسب و برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند مشکلات مدیریتی، تفاوت‌های کیفی بین استان‌ها و کاهش هماهنگی را به دنبال داشته باشد. همچنین، پیامدهای این تصمیم بر آینده آموزش و پرورش نیازمند بررسی همه‌جانبه و ارائه‌ی پیشنهادات جایگزین است تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری شود.

● **تضعیف هویت و ماموریت دانشگاه فرهنگیان (تربیت معلم):** اساساً، مشابهت‌سازی دانشگاه فرهنگیان با باقی دانشگاه‌های غیراختصاصی وزارت علوم، خصوصاً از منظر ساختار سازمانی، منجر به

تضعیف رسالت، مأموریت و کارکرد آن می گردد.

● **تضعیف هویت ملی دانشگاه فرهنگیان:** تضعیف شان راهبری ساختار مرکزی و انتقال آن به واحدهای استانی ممکن است انسجام ملی و هویت یکپارچه‌ی این دانشگاه را خصوصاً در زمینه‌ی محتوا و سیاست های تربیتی تضعیف کند.

● **چالش مدیریتی:** واگذاری اختیارات مدیریتی تام به استان ها و تضعیف شأن سیاست گذاری مرکزی، باعث ناهماهنگی میان سیاست های کلان و منطقه ای خواهد شد.

● **عدم عدالت آموزشی:** نبود امکانات و نیروی متخصص یکسان در استان ها، موجب نابرابری در دسترسی به آموزش با کیفیت می شود.

● **تأثیر بر کیفیت آموزشی:** تمرکززدایی، بدون زیرساخت های کافی و عادلانه در سطح هر استان می تواند به نابرابری کیفی میان دانشگاه های استانی منجر شود و کیفیت تربیت معلم در استان های کم برخوردار کاهش دهد.

● **نبود پشتوانه اجرایی:** عدم برنامه ریزی مناسب در تناسب میدان و پیش بینی منابع مالی و انسانی مورد نیاز، از ضعف های اساسی این طرح است.

● **پیامدهای بلندمدت:** اثرات این تصمیم بر آینده ی آموزش و پرورش کشور و توانایی رقابت دانشگاه با مراکز مشابه بین المللی، نیازمند واکاوی جدی است.

به طور کلی، برای اطمینان از اتخاذ سیاست های تربیت معلم مطابق با انتظارات مقام معظم رهبری از این نهاد و اجرای سیاست های آموزشی عادلانه، کیفی و همسو با منافع ملی، نقد این طرح ضروری به نظر می رسد.

## ❖ **تهدیدهای اجرایی سازی طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)»:**

### ✉ **۱- فاصله گرفتن از مأموریت تربیت معلم:**

دانشگاه فرهنگیان از اساس یک دانشگاه مأموریت محور می باشد و اصل وجودی آن به مأموریت تربیت معلمی که برعهده دارد، برمی گردد. طرح ساختار سازمانی جدید فراتر از ظاهر فریبنده خویش، ایرادات اساسی دارد که موجب جدایی دانشگاه از رسالت و وجودی خود که تربیت معلمان تراز انقلاب اسلامی است می شود. در ادامه به برخی از چالش ها اشاره می شود:

● **اولویت پیدا کردن آموزش بر تربیت حرفه ای:** در ماده ۳ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان آمده است ارتقای توانمندی های دانشجو معلمان به منظور ایجاد مهارت تدریس چند رشته ای، اما در ساختار جدید، تمرکز بر تربیت معلم در رشته های تخصصی (مثلاً ریاضی یا فیزیک) جایگزین تربیت حرفه ای معلم جامع نگر می شود. تربیت معلم حرفه ای نیازمند آموزش های چندبعدی در حوزه های روان شناسی، اخلاق حرفه ای، ارتباط تربیتی و مهارت های تدریس است. اما وقتی آموزش به صورت تخصصی و رشته محور تقسیم شود، تمامی این مهارت ها در یک دانشکده مستقر می شوند، هویت حرفه ای معلم به حاشیه می رود و روح یکپارچگی در تربیت معلم تضعیف می شود.

● **پررنگ شدن پژوهش محوری به جای امور فرهنگی و تربیتی:** یکی از نگرانی های اساسی در طرح

جدید، غلبه رویکرد پژوهش محور بر مأموریت اصلی دانشگاه فرهنگیان است که تربیت انسان متعهد و معلم مؤمن و فرهنگی است. توسعه معاونت پژوهش (بدون در نظرگیری رویکرد پژوهش در راستای تولید علم نافع؛ به استناد بر شرح وظایف واحدهای سازمانی دانشگاه فرهنگیان) در قیاس با معاونت فرهنگی و تربیتی منجر به افزایش فعالیت های پژوهشی عام شده و تولید مقاله جایگزین فعالیت های فرهنگی، تربیتی و مهارت محور می شود و به عبارتی معلم به ماشین مقاله نویس تبدیل خواهد شد. در نتیجه روحیه تربیتی و معنوی دانشگاه که موتور پیشرانش معاونت فرهنگی می باشد و ریشه در رسالت فرهنگی و ارزشی آن دارد، تضعیف می شود.

● **عدم یکپارچگی در دوره های آموزشی:** اگر برنامه های آموزشی دانشگاه ها در استان های مختلف به طور مستقل اجرا شود، ممکن است تفاوت های قابل توجهی در محتوای دروس و کیفیت آموزش های ارائه شده به وجود آید. این عدم یکپارچگی می تواند به تربیت معلمان با سطوح مختلف کیفیت آموزشی منجر شود.

● **سختی در اعمال سیاست های کلان ملی:** در صورتی که دانشگاه های استانی به طور مستقل اداره شوند، در پیاده سازی سیاست های کلان ملی با مشکلاتی روبه رو خواهیم شد. در این شرایط، سیاست های آموزشی و برنامه های تربیت معلم که در سطح ملی تدوین می شوند، با مشکلاتی در تطبیق و اجرای واحدهای استانی مواجه می شوند.

● **تضعیف هویت ملی دانشگاه فرهنگیان:** با تضعیف دانشگاه مرکزی و انتقال مقام سیاست گذاری آن به واحدهای استانی، هویت ملی دانشگاه فرهنگیان که در طول سال ها به عنوان یک نهاد آموزشی مرکزی شناخته شده است، تحت تأثیر قرار می دهد. این تغییر ساختار در نهایت موجب تضعیف انسجام و هویت یکپارچه دانشگاه فرهنگیان در سطح کشور می شود.

● **زیر سوال رفتن اصل زیست شبانه روزی در دانشگاه فرهنگیان:** شبانه روزی بودن دانشگاه فرهنگیان یکی از ارکان اصلی تربیت معلم در ایران و با استناد به تبصره ذیل ماده ۶ قانون متعهدین به خدمت وزارت آموزش و پرورش (پرداخت حقوق کارآموزی و حقوق به دانش آموزان و دانشجویان مذکور مانع از استفاده آنان از امکانات رفاهی عمومی از قبیل خوابگاه و وام صندوق رفاه و غیره که دانشسراها و مراکز تربیت معلم و آموزشگاه های فنی و دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و حوزه های علمیه معمولاً در اختیار آنان قرار می دهند، نخواهد بود؛ لکن هزینه های شبانه روزی و هزینه خوابگاه از وجوه پرداختی کسر خواهد شد.) مصوبه آیین نامه های اجرایی این اصل می باشد، زیرا به شکل گیری شخصیت فرهنگی، تعهد و نظم فردی دانشجو معلمان کمک می کند. با اجرای این ساختار، حفظ و نظارت بر این نظام شبانه روزی دشوارتر می شود. نبود امکانات خوابگاهی، آموزشی و مدیریتی کافی دانشکده محور در استان ها می تواند منجر به تضعیف این ویژگی اساسی و از بین رفتن فضای تربیتی مستمر گردد.

## ۲- تمرکززدایی و تهدیدهای امنیتی- فرهنگی:

این طرح، در ظاهر یک تغییر ساختاری در نظام آموزش عالی کشور محسوب می شود، اما با نگاهی عمیق تر می توان دریافت که پیامدهای آن فراتر از ابعاد آموزشی و مدیریتی است. این طرح، به طور مستقیم با امنیت فرهنگی، انسجام ملی، حکمرانی آموزشی و سیاست گذاری کلان در کشور ارتباط دارد. بنابراین، بررسی آن از منظر امنیتی و راهبردی ضروری و اجتناب ناپذیر است:

● **واگرایی سیاست‌های آموزشی، تهدیدی برای انسجام ملی:** در ساختار فعلی، دانشگاه فرهنگیان دارای مدیریت متمرکز در سطح ملی است که این مرکزیت، تضمین‌کننده‌ی وحدت در سیاست‌گذاری، تدوین برنامه درسی، اجرای اسناد بالادستی و نظارت هماهنگ بر تربیت معلمان است اما در صورت واگذاری کامل مدیریت به استان‌ها، ممکن است هر استان با تفسیر متفاوتی از مسائل تربیتی، مسیر جداگانه‌ای در تربیت معلم اتخاذ کند. این مسئله به‌ویژه در استان‌هایی با بافت فرهنگی یا سیاسی خاص، می‌تواند به واگرایی گفتمانی و تربیتی منجر شود. این واگرایی در بلندمدت انسجام ملی را تهدید می‌کند، چراکه معلمان به عنوان پیام‌رسانان تربیتی، حامل ارزش‌ها و مفاهیم مشترک نخواهند بود. تربیت دانش‌آموزان با نگاه‌های متعارض یا ناهماهنگ، موجب ضعف هویت جمعی و ایجاد گسست در لایه‌های فرهنگی جامعه خواهد شد.

● **تضعیف قدرت اعمال حاکمیت آموزشی:** یکی از ابزارهای مهم نظام سیاسی برای جهت‌دهی به نسل آینده، حاکمیت بر نظام تعلیم و تربیت است. دانشگاه فرهنگیان به عنوان نهاد تولیدکننده‌ی نیروی انسانی معلم، نقش کانونی در این فرآیند دارد. با اجرای طرح تفکیک دانشگاه به واحدهای مستقل استانی، قدرت اعمال سیاست‌های کلان تربیتی و ارزشی از سطح ملی به استان‌ها منتقل خواهد شد و در نتیجه، دولت مرکزی کنترل کافی بر روند تربیت معلم نخواهد داشت. اگرچه استقلال استانی در برخی امور اجرایی می‌تواند مفید باشد، اما در حوزه‌هایی مانند فرهنگ، هویت و آموزش، چنین تفکیکی می‌تواند منجر به افول اقتدار ملی در آموزش و پرورش و تبدیل آموزش به یک موضوع محلی و سیاسی شود که در تضاد با اصول حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

● **زمینه‌سازی برای نفوذ و انحرافات ارزشی:** با واگذاری کنترل محتوای آموزشی و جذب نیروی انسانی به استان‌ها، احتمال بروز نفوذ جریان‌های سیاسی یا فرهنگی خاص در تربیت معلم افزایش می‌یابد. در برخی استان‌ها، گروه‌ها یا جریان‌هایی با گرایش‌های سیاسی یا فکری خاص می‌توانند از فرصت استقلال مدیریتی سوءاستفاده کرده و معلمان را مطابق با دیدگاه‌های خود آموزش دهند. این نفوذ می‌تواند در تضاد با ارزش‌های اسلامی - انقلابی، آرمان‌های شهدا، سند تحول بنیادین و سیاست‌های کلان فرهنگی نظام باشد. تجربه‌ی برخی کشورها نشان می‌دهد که رهاسازی مراکز تربیت معلم به جریان‌های بومی بدون نظارت ملی، منجر به تولید معلمان ناسازگار با نظام رسمی شده و تهدیدی برای امنیت نرم تلقی می‌شود.

● **آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های بین منطقه‌ای و تحریک‌های سیاسی:** در شرایطی که استان‌ها دارای ساختارهای مستقل در تربیت معلم باشند، در صورت بروز بحران‌های سیاسی یا اجتماعی در برخی مناطق، نهاد تربیت معلم نیز درگیر آشفتگی خواهد شد. به عنوان مثال، در صورت بروز تنش‌های قومی، معلمان تربیت‌شده در ساختار بومی گراممکن است به جای نقش آفرینی وحدت‌بخش، به تقویت شکاف‌های اجتماعی دامن بزنند. همچنین، اگر نظارت مرکزی وجود نداشته باشد، امکان دارد برخی استان‌ها در هنگام تغییر دولت یا مسئولان محلی، خط‌مشی‌های آموزش معلم را بر اساس اهداف سیاسی یا قومی تغییر دهند که این موضوع آسیب‌زاتر از هر بحران بیرونی برای نظام آموزشی کشور خواهد بود.

● **بی‌ثباتی سیاست‌گذاری آموزشی و تهدید در سطح بین‌المللی:** در نظام‌های آموزشی پایدار، سیاست‌گذاری بلندمدت، متمرکز و فراگیری از اصول بنیادین است. تجزیه‌ی دانشگاه فرهنگیان به ۳۱ نهاد مستقل باعث خواهد شد که سیاست‌گذاری در حوزه تربیت معلم از انسجام و ثبات لازم برخوردار نباشد. در نتیجه، جایگاه ایران در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی آموزش معلم تضعیف می‌شود و امکان تعامل اثربخش علمی و آکادمیک با دیگر کشورها کاهش می‌یابد. همچنین، از آن جاکه معلم، پایه‌ی اصلی آموزش و پرورش کشور است، اگر تربیت او دچار بحران شود، در سال‌های آینده بدنه‌ی آموزش عمومی نیز بی‌ثبات خواهد شد و این بی‌ثباتی می‌تواند یکی از زمینه‌های فروپاشی اجتماعی تلقی شود.

● **اهمیت راهبری ملی و تمرکز محتوایی در تربیت نیروی انسانی:** دانشگاه فرهنگیان صرفاً یک نهاد آموزش عالی مثل دیگر دانشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیست؛ بلکه ماهیتی تربیت محور، سرمایه ساز، راهبردی و تمدن ساز دارد.

این دانشگاه به مثابه ریشه‌ی درخت نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است که معلمان آینده‌ساز را تربیت می‌کند؛ معلمانی که قرار است بار انتقال فرهنگ، دین، زبان، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ایرانی اسلامی به نسل‌های آینده را بر دوش بکشند. در چنین جایگاهی، دانشگاه فرهنگیان نه تنها از حیث علمی، بلکه از حیث هویتی و فرهنگی نیز باید ساختاری یکپارچه، همسو با مأموریت خویش و اسناد بالادستی، از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بیانیه گام دوم انقلاب، نقشه مهندسی فرهنگی کشور و دیگر اسناد کلان داشته باشد. در این میان، طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)»، که به دنبال تفکیک ساختار ملی دانشگاه فرهنگیان و تفویض اختیار تام به واحدهای مستقل استانی است، با چالش‌های جدی در بُعد فرهنگی و هویتی مواجه است.

● **تضعیف هویت ملی و انسجام‌گفتمانی تربیت معلم:** یکی از مهم‌ترین کارکردهای ساختار متمرکز دانشگاه فرهنگیان، ایجاد وحدت‌گفتمانی در تربیت معلم در سطح ملی است. انسجامی که معلم استان سیستان و بلوچستان و معلم استان کردستان و معلم استان تهران، در عین تفاوت‌های فرهنگی منطقه‌ای، بر مبنای یک چارچوب تربیتی و فرهنگی یکسان آموزش ببینند و بتوانند نقش‌آفرینی تمدنی در کشور ایفا کنند. در صورت اجرای طرح تفکیک استانی، این انسجام جای خود را به تعدد و تنوع در گفتمان‌های تربیتی خواهد داد. ممکن است هر استان متناسب با سلیق محلی یا حتی سیاسی، محتوای تربیتی متفاوتی ارائه دهد که به مرور زمان موجب واگرایی فرهنگی، تضعیف انسجام اجتماعی و تربیت نسل‌های ناهمگون در سطح کشور شود.

● **خطر تضعیف هویت دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک نهاد تربیتی ملی:** دانشگاه فرهنگیان در طی سال‌های متمادی، به عنوان نهادی با هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران شناخته شده است. حفظ این هویت نیازمند ساختاری مرکزی، هویت‌ساز و هماهنگ‌کننده است. با تبدیل آن به ۳۱ دانشگاه مستقل استانی و کاهش اختیارات مرکز، این هویت به مرور از بین می‌رود و برند دانشگاه فرهنگیان به تدریج در میان تعدد اسامی و ساختارهای محلی فرسوده و بی‌رنگ خواهد شد. در بلندمدت، این امر موجب فراموش شدن نقش خاص و استراتژیک دانشگاه فرهنگیان در تربیت

معلمان متعهد و متخصص خواهد شد و آن را به سطح یک دانشگاه عادی مانند دیگر دانشگاه ها تقلیل می دهد.

● **حذف نقش وحدت بخشی معلمان در فرهنگ ملی:** یکی از وظایف معلم در نظام تربیتی ایران، نقش وحدت بخشی ملی است؛ معلم باید فراتر از تفاوت های قومی، زبانی، جغرافیایی و فرهنگی، دانش آموزان را با مفاهیم کلیدی هویت ایرانی-اسلامی، مصالح بنیادی کشور، همبستگی اجتماعی، وطن دوستی و دینداری آشنا کند. در صورتی که آموزش معلم در هر استان بر اساس نیازهای محلی انجام شود، این نقش وحدت بخش از بین می رود و معلمان به حاملان گفتمان های محلی ناسازگار یا حتی متضاد تبدیل خواهند شد.

● **تناقض با اسناد هویتی و فرهنگی کشور:** بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی باید منطبق با ارزش های مشترک اسلامی، فرهنگ ملی و هویت ایرانی باشد. تحقق این اهداف تنها در سایه یک ساختار مرکزی با نظارت هماهنگ امکان پذیر است. در صورت اجرایی شدن این طرح، تدوین، نظارت و ارزیابی برنامه های تربیتی معلمان به صورت استانی انجام خواهد شد؛ در نتیجه، تطابق آن ها با اسناد بالادستی کشور دشوارتر می شود و نوعی تشتت در تربیت معلم شکل خواهد گرفت که می تواند مستقیماً به تضعیف هویت اسلامی-ایرانی نسل آینده منجر شود.

### ۳- ناترازی زیرساخت های فعلی با انتظارات ساختار جدید:

ساختار جدید به منظور اجرایی شدن انتظاراتی ایجاد می کند که منابع موجود در اغلب استان های کشور توانایی برآورده کردن این انتظارات را نداشته و باعث افزوده شدن مشکلات جدیدی بر مشکلات دانشگاه فرهنگیان می شوند. برخی از مشکلات عبارت اند از:

● **کاهش کیفیت آموزشی:** یکی از بزرگ ترین چالش ها در این طرح، تفاوت امکانات و منابع بین استان ها است که ممکن است منجر به افت کیفیت آموزشی در برخی استان ها شود. هر استان ممکن است از نظر زیرساخت ها، استادان متخصص و تجهیزات آموزشی، به طور متفاوتی تجهیز شده باشد که این نابرابری ها می تواند به کاهش سطح آموزش و تربیت معلمان با کیفیت منجر شود.

● **نابرابری در تربیت معلمان:** طرح تقسیم دانشگاه فرهنگیان به ۳۱ دانشگاه استانی می تواند به ایجاد نابرابری های آموزشی در تربیت معلمان منجر شود. هر استان با توجه به شرایط خاص خود ممکن است به امکانات و برنامه های آموزشی متفاوتی دسترسی داشته باشد که این تفاوت ها بر توانمندی معلمان تربیت شده تأثیر خواهد گذاشت.

● **نبود هماهنگی مدیریتی:** یکی از چالش های اصلی طرح مذکور، احتمال بروز مشکلات در هماهنگی مدیریتی است. از آنجایی که هر استان مسئولیت مدیریت دانشگاه خود را بر عهده خواهد داشت، امکان عدم هماهنگی در سیاست ها و برنامه های آموزشی بین استان ها به شدت وجود دارد که می تواند به تداخل و ناکارآمدی منجر شود.

● **سنگین بودن کفه مدیران نسبت به دانشجویان:** افزایش تعداد دانشگاه های استانی، به صورت طبیعی باعث افزایش تعداد مدیران، کارشناسان و کارکنان ستادی می شود (۷۲۴۴ عدد). این امر نسبت

کارکنان اداری به دانشجومعلم‌ان (حدود ۱۱۰ هزار نفر) را بالا می‌برد و هزینه‌های اداری را افزایش می‌دهد. در نتیجه، منابع دانشگاه به جای سرمایه‌گذاری در کیفیت آموزش و فعالیت‌های تربیتی، صرف ساختار اداری می‌شود و روح چابکی و کارآمدی در آموزش از بین می‌رود.

● **رویکرد شیفت‌بندی خواهر و برادر واحدهای آموزشی:** به دلیل تفکیک جنسیتی در دانشگاه فرهنگیان (مصوبه هیئت امناء)، ایجاد واحدهای جدید در استان‌هایی با محدودیت فضا و ظرفیت آموزشی، منجر به اجرای شیفت‌بندی میان دانشجویان دختر و پسر می‌شود. این وضعیت علاوه بر کاهش کیفیت آموزشی، موجب اختلال در فعالیت‌های فرهنگی، برنامه‌های شبانه‌روزی و تعاملات تربیتی میان اساتید و دانشجومعلم‌ان می‌گردد و از ماهیت منسجم و تربیتی دانشگاه می‌کاهد.

● **فراهم نبودن زیرساخت در استان‌ها:** با توجه به وضعیت فعلی زیرساخت‌های دانشگاه، بسیاری از استان‌ها از نظر فضاهای آموزشی، خوابگاهی، تجهیزات و نیروی انسانی آماده اجرای طرح نیستند. نبود زیرساخت کافی می‌تواند منجر به اجرای ناقص طرح، کاهش کیفیت آموزش و ایجاد فشار مدیریتی بر استان‌ها شود.

● **تناسب نداشتن تعداد دانشجومعلم‌ان با گروه‌ها و زیرساخت‌ها:** تعداد دانشجومعلم‌ان در برخی از استان‌ها با ظرفیت گروه‌های آموزشی و امکانات موجود هم‌خوانی ندارد. این ناهماهنگی باعث کاهش کارایی آموزشی، پراکندگی منابع انسانی و ضعف در تداوم برنامه‌های تربیتی می‌شود و مانع تحقق عدالت آموزشی در سطح استان‌ها خواهد بود.

● **چالش‌های بودجه محور:** یکی دیگر از مشکلات این طرح، چالش‌های مالی است که ممکن است در سطح استانی به وجود آید. هر استان باید منابع مالی خود را برای توسعه و تأمین نیازهای دانشگاهی تأمین کند که در برخی مناطق ممکن است با محدودیت‌های مالی روبه‌رو شوند. این امر می‌تواند به ناتوانی در تأمین امکانات و منابع لازم برای اداره دانشگاه‌ها منجر شود.

● **مشکلات در ارتقاء سطح علمی دانشگاه‌ها:** یکی دیگر از چالش‌های این طرح، تفاوت‌های ساختاری میان استان‌ها است. برخی استان‌ها ممکن است به منابع انسانی با تجربه و متخصص دسترسی نداشته باشند و این تفاوت‌ها ممکن است مانع ارتقاء علمی دانشگاه‌ها و استادان در سطح استانی شود.

● **محدودیت در تبادل علمی و تحقیقاتی:** اگر هر استان به‌طور مستقل فعالیت کند، ممکن است فرصت‌های تبادل علمی و تحقیقاتی بین دانشگاه‌ها محدود شود. این امر می‌تواند مانع از رشد و پیشرفت علمی کشور در زمینه‌های مختلف شود، زیرا نهادهای علمی به‌طور مؤثر نمی‌توانند به اشتراک‌گذاری منابع و تجربیات بپردازند.

● **کاهش بهره‌وری:** پراکندگی منابع و ناتوانی در هماهنگ‌سازی آن‌ها می‌تواند باعث کاهش بهره‌وری دانشگاه‌های استانی شود. در این صورت، هر استان باید به‌طور مستقل هزینه‌ها، منابع و منابع انسانی خود را مدیریت کند که ممکن است موجب اتلاف منابع و کاهش کارایی در کل سیستم شود.

● **چالش در نگهداری و به‌روزرسانی سیستم‌های مدیریتی و فناوری:** با توجه به اینکه هر استان مسئولیت مدیریت دانشگاه خود را بر عهده دارد، نیاز به نگهداری و به‌روزرسانی سیستم‌های مدیریتی و فناوری در هر استان به‌طور جداگانه افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند منجر به ایجاد هزینه‌های

اضافی و ناکارآمدی در سیستم‌های مدیریتی شود.

● **نیاز به ارتقاء و بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری:** برای اجرای موفق این طرح، هر استان باید زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری خود را ارتقاء دهد. این امر بسیار هزینه‌بر است و استان‌هایی که منابع مالی محدودی دارند، احتمالاً نمی‌توانند به‌طور کامل این نیازها را تأمین کنند و این موضوع منجر به کمبود امکانات در برخی مناطق می‌شود.

● **چالش در جذب و حفظ استادان با کیفیت:** به دلیل تفاوت‌های اقتصادی و رفاهی بین استان‌ها، ممکن است جذب و نگهداری استادان با کیفیت با مشکلاتی مواجه شود. استان‌هایی که از امکانات کمتری برخوردارند، ممکن است نتوانند استادان متخصص و برجسته را جذب کنند و این امر به کاهش کیفیت آموزش و پژوهش منجر خواهد شد.

مشکلات در ارزیابی و نظارت بر کیفیت آموزش: با توجه به اینکه هر استان به‌طور مستقل اداره می‌شود، ارزیابی و نظارت بر کیفیت آموزش به‌طور یکپارچه و سراسری دشوار خواهد شد. این امر می‌تواند به کاهش دقت و کیفیت ارزیابی‌های آموزشی و عدم شفافیت در نظارت بر کیفیت دانشگاه‌ها منجر شود.

## ◀ تمرکززدایی در تربیت معلم در دو بافت ساختاری متفاوت: تجربه عملی آلمان و چشم‌انداز پیشنهادی فرانسه

### 🇫🇷 فرانسه

سیستم آموزش عالی فرانسه بیشتر متمرکز و ساختارمند است و شامل دانشگاه‌های دولتی و مؤسسات خصوصی می‌شود. دانشگاه‌های دولتی در فرانسه به شدت توسط دولت حمایت مالی می‌شوند و هزینه‌های تحصیلی آن‌ها بسیار کم است؛ اگرچه ممکن است هزینه‌های اضافی برای برخی خدمات وجود داشته باشد. Grandes Écoles، که مؤسسات معتبر خارج از سیستم دانشگاه‌های دولتی هستند، برنامه‌های تخصصی ارائه می‌دهند و رقابتی‌تر هستند. سیستم فرانسه نیز بر اساس چارچوب LMD (Licence, Master, Doctorat) عمل می‌کند، که مشابه سیستم آلمان است. مدرک Licence (کارشناسی) معمولاً ۳ سال طول می‌کشد، Master (کارشناسی ارشد) ۲ سال دیگر به طول می‌انجامد و Doctorat (دکتری) معمولاً ۴ تا ۵ سال زمان می‌برد.

اصلاحات عمده در نظام آموزش عالی فرانسه شامل تغییر تقویم دانشگاهی از سه نیم‌سال به دو نیم‌سال (پاییز و بهار) مشابه ایالات متحده، افزایش شهریه‌ها، و اجرای طرح توسعه‌ی فضاهای آموزشی با عنوان "دانشگاه ۲۰۰۰" است. این طرح در سال ۱۹۹۱ توسط لیونل ژوسپن پیشنهاد شد و شامل اختصاص ۳۲ میلیارد فرانک برای ساخت ۱.۵ میلیون مترمربع فضای دانشگاهی بود. واکنش اولیه دانشگاهیان و دانشجویان نسبت به این اصلاحات مثبت بوده، اما قضاوت نهایی به شفاف شدن جزئیات اجرای برنامه‌ها و تأمین هزینه‌ها موکول شده است. برخی کارشناسان اصلاحات را غیرانقلابی می‌دانند؛ زیرا مشابه این تغییرات باید سال‌ها پیش انجام می‌شد. با این حال، موفقیت وزیر آموزش در جلب حمایت دانشجویان و دانشگاهیان برای این اصلاحات بی‌سابقه است. به گفته‌ی کارشناسان، این تغییرات نشان‌دهنده رویکرد جدید دولت در هماهنگی با گروه‌های مختلف

است؛ زیرا اصلاحات تحمیلی قبلی معمولاً با شکست مواجه می‌شد. برای اولین بار مقاومت قابل توجهی در برابر این اصلاحات مشاهده نمی‌شود و این رویکرد تازه به عنوان یک تحول واقعی در ساختار متمرکز آموزشی فرانسه تلقی می‌شود. یکی از نکات مهم اصلاحات آموزشی فرانسه، کنار گذاشتن ایده‌ی احداث دانشگاه‌های خودگردان و تغییر در ساختار دوره‌ها، برنامه‌های درسی، و شهریه‌ها توسط محافظه‌کاران است. در حال حاضر، تمام دانشگاه‌های فرانسه از نظام‌های یکنواخت ملی پیروی می‌کنند. به گفته برسه، این تغییر، چرخشی تاریخی در سیاست‌های احزاب راست به شمار می‌رود. دولت همچنین از تجزیه مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) و واگذاری آزمایشگاه‌های آن به دانشگاه‌ها صرف نظر کرده است. به گفته موریس گروس، سرپرست بخش روابط دانشگاهی CNRS، هریک از دانشگاه‌ها و این مرکز، نقش ویژه‌ای در پژوهش‌های علمی دارند و اصلاحات نباید به تهدید سایر نهادها منجر شود. با این حال، اجرای این اصلاحات چالش برانگیز است؛ زیرا بسیاری از دانشگاه‌های فرانسه با مشکلات جدی مواجه‌اند و ۱۰ درصد از ساختمان‌های آموزشی آن‌ها زیر استاندارد های کمیته آموزشی قرار دارند.

دانشگاه‌های تربیت معلم در فرانسه در حال حاضر به صورت مستقل و استانی اداره نمی‌شوند. سیستم آموزش عالی فرانسه، از جمله دانشگاه‌های تربیت معلم، تحت نظارت و هماهنگی دولت مرکزی قرار دارد. این دانشگاه‌ها همچنان از ساختار متمرکز ملی پیروی می‌کنند که ویژگی اصلی نظام آموزشی فرانسه است. مرکز ملی پژوهش‌های علمی (CNRS) و وزارت آموزش عالی فرانسه نقش مهمی در سیاست‌گذاری و نظارت بر برنامه‌های آموزشی و پژوهشی این دانشگاه‌ها دارند. هرچند در اصلاحات اخیر، گام‌هایی برای افزایش استقلال دانشگاه‌ها برداشته شده، اما این استقلال در مقایسه با مدل کشورهای دیگر، مانند آلمان و یا ایالت متحده، بسیار محدودتر است و بیشتر به مسائل اجرایی و مدیریتی درون دانشگاه‌ها مربوط می‌شود تا سیاست‌گذاری کلان یا تعیین برنامه‌های درسی.

## آلمان

سیستم آموزش عالی آلمان، به شدت بر تحقیق و مهارت‌های عملی تمرکز دارد. بیشتر از ۹۰٪ دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی تحصیل می‌کنند که عموماً بدون هزینه‌های تحصیلی هستند و تنها هزینه‌های جزئی اداری اخذ می‌شود. در آلمان دو نوع دانشگاه وجود دارد: Universitäten (دانشگاه‌های تحقیقاتی) و Fachhochschulen (دانشگاه‌های علوم کاربردی). این سیستم بر اساس فرآیند بولونیا عمل می‌کند؛ به طوری که مدرک کارشناسی معمولاً ۳ تا ۴ سال و مدرک کارشناسی ارشد ۱ تا ۲ سال طول می‌کشد. علاوه بر برنامه‌های آکادمیک، دانشگاه‌های خصوصی آلمان نیز برنامه‌های کاربردی ارائه می‌دهند که بیشتر به مهارت‌های حرفه‌ای توجه دارند. دانشگاه‌های تربیت معلم در آلمان ساختار آموزشی متفاوتی دارند که به طور عمده تحت تأثیر سیستم فدرال این کشور است. هریک از ۱۶ ایالت آلمان (Länder) مسئول طراحی و اجرای برنامه‌های تربیت معلم خود هستند، که این موضوع باعث تنوع در روش‌های آموزشی، طول دوره‌ها و محتوای درسی می‌شود. به طور کلی، آموزش معلمان در آلمان به سه مرحله تقسیم می‌شود:

● **مرحله دانشگاهی (تحصیلات اولیه):** این مرحله در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه می‌شود و شامل دروس تخصصی، آموزشی و روش‌شناسی تدریس است. آموزش در این مرحله بیشتر بر دانش آکادمیک متمرکز است و شامل دروس عمومی و تخصصی مربوط به رشته تدریس معلم می‌شود، اما این ساختار به دلیل جدایی از نیازهای عملی تدریس، مورد انتقاد قرار گرفته است.

● **مرحله عملی (آموزش کارآموزی):** پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه، دانشجویان باید دوره‌ای عملی (معمولاً دو ساله) را در مدارس بگذرانند. این دوره شامل آموزش‌های عملی در کلاس درس و شرکت در کارگاه‌های تخصصی است. در این مرحله، دانشجویان با تجربه تدریس واقعی و چالش‌های مربوط به مدیریت کلاس درس آشنا می‌شوند.

● **آموزش ضمن خدمت:** آموزش‌های حرفه‌ای معلمان پس از ورود به شغل تدریس ادامه دارد، اما این بخش نسبت به بسیاری از کشورها کمتر سازماندهی شده است و بیشتر به انتخاب و علاقه شخصی معلمان بستگی دارد.

### ❖ ویژگی‌های کلیدی تربیت معلم آلمان

● **مدیریت استانی:** هر ایالت قوانین، برنامه‌های درسی و استانداردهای خاص خود را برای آموزش معلمان تعیین می‌کند.

● **برنامه‌های متفاوت:** ساختار و محتوای دوره‌های تربیت معلم ممکن است از یک ایالت به ایالت دیگر متفاوت باشد. به عنوان مثال، سیستم آموزش معلم در بایرن (Bavaria) ممکن است با نیدرزاکسن (Lower Saxony) تفاوت داشته باشد.

● **گواهینامه‌های حرفه‌ای:** معلمان باید آزمون‌های دولتی مربوط به ایالت خود (Staatsexamen) را بگذرانند تا مجاز به تدریس شوند.

● **هماهنگی محدود:** با وجود استقلال ایالت‌ها، کمیسیون مشترک آموزش و علوم فرهنگی آلمان (KMK) تلاش می‌کند هماهنگی کلی در برخی موارد مانند صلاحیت‌های معلمان و استانداردهای کیفیت را ایجاد کند.

این سیستم غیرمتمرکز، انعطاف‌پذیری بالایی دارد و به ایالت‌ها اجازه می‌دهد برنامه‌های آموزشی خود را بر اساس نیازهای محلی تنظیم کنند. اما از طرفی، ممکن است هماهنگی ملی و یکپارچگی در سطح کشور محدودتر باشد. در مطالعه تطبیقی این دو سیستم آموزشی، می‌توان به نکات زیر توجه کرد:

● **۱. تمرکز بر تحقیق و آموزش عملی:** آلمان و فرانسه هر دو سیستم‌هایی دارند که علاوه بر تئوری، به تحقیقات و مهارت‌های عملی نیز توجه دارند. این موضوع می‌تواند به دانشگاه فرهنگیان کمک کند که علاوه بر آموزش‌های تئوری، تمرکز بیشتری بر روی کارآیی عملی معلمان داشته باشد.

● **۲. دولت و ساختار متمرکز یا غیرمتمرکز:** در آلمان، سیستم دانشگاهی غیرمتمرکز است و هر ایالت مسئول دانشگاه‌های خود است. این امر می‌تواند با طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان» (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی) تطابق داشته باشد که در آن هر استان مسئول دانشگاه خود باشد. در فرانسه، سیستم آموزشی بیشتر متمرکز است و شاید از این نظر، نیاز به بازنگری و تغییرات بیشتری در ساختار دانشگاه فرهنگیان داشته باشیم.

● **۳. تنوع و تخصص:** فرانسه با داشتن Grandes Écoles تخصصی می‌تواند برای برنامه‌های آموزشی معلمان که نیاز به تخصص‌های خاص دارند، الگوی مناسب باشد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به سیستم‌های آموزش عالی آلمان و فرانسه، دانشگاه فرهنگیان

می‌تواند با مطالعه و تطبیق برخی ویژگی‌های آن‌ها، یک سیستم آموزشی انعطاف‌پذیرتر و تخصصی‌تر در برخی موارد برای تربیت معلمان ایجاد کند که در سطح کشور و نیازهای محلی بهتر عمل کند.

### مطالعات تطبیقی: بررسی ساختار تربیت معلم در کشورهای مشابه فرهنگی (ترکیه، مصر، اندونزی)

برای ارزیابی بهتر طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی)»، لازم است تجربه‌های کشورهای مشابه از لحاظ بافت فرهنگی، قومی، مذهبی و چالش‌های سیاسی بررسی شود. کشورهای نظیر ترکیه، مصر و اندونزی که مانند ایران ساختارهای اجتماعی و فرهنگی متکثر دارند، طی دهه‌های اخیر با ضرورت بازسازی نظام تربیت معلم مواجه بوده‌اند. بررسی تطبیقی این کشورها، می‌تواند راهبردهای مناسبی برای اصلاح یا ارتقاء ساختار دانشگاه فرهنگیان ایران ارائه دهد.

#### ترکیه: تمرکز با انعطاف ساختاری

در ترکیه، نهاد مرکزی آموزش عالی یعنی (YÖK) و شورای عالی آموزش عالی ترکیه، بر سیاست‌گذاری، محتوا و ساختارهای آموزشی نظارت کامل دارد. دانشگاه‌های تربیت معلم، اگرچه به لحاظ اجرایی تا حدودی مستقل هستند، اما در چارچوب اسناد ملی مصوب (YÖK) عمل می‌کنند.

#### ویژگی‌های کلیدی نظام تربیت معلم در ترکیه:

- تمام دانشگاه‌های تربیت معلم موظف‌اند برنامه‌های درسی مصوب (YÖK) را اجرا کنند.
  - جذب هیئت علمی و تعیین رشته‌های تحصیلی با مجوز و نظارت مرکزی انجام می‌شود.
  - دانشگاه‌ها موظف‌اند شاخص‌های ارزشیابی یکنواخت را رعایت کنند.
  - دانشگاه‌ها اجازه دارند در قالب برنامه‌های مکمل یا پژوهش‌های منطقه‌ای به نیازهای بومی پاسخ دهند.
- ترکیه توانسته است تمرکز در سیاست‌گذاری کلان را با انعطاف در اجرا و بومی‌سازی تلفیق کند. این الگو، شباهت زیادی با مدل نیمه متمرکز پیشنهادی برای دانشگاه فرهنگیان دارد.

#### مصر: کنترل متمرکز برای مقابله با چالش‌های فرهنگی و سیاسی

مصر با سابقه‌ای طولانی در آموزش دینی و تربیت معلم، همواره تلاش کرده است تا با کنترل مرکزی شدید، از بروز انحرافات فکری، ترویج افراط‌گرایی یا اختلافات مذهبی جلوگیری کند. ساختار اصلی:

- دانشگاه‌های تربیت معلم تحت نظر وزارت آموزش عالی فعالیت می‌کنند.
  - هیچ دانشگاهی بدون تأیید وزارتخانه اجازه ندارد برنامه‌های محتوایی را تغییر دهد.
  - تمامی استادان، دوره‌های اجباری هویتی و ارزشی را می‌گذرانند.
  - تمرکز بر وحدت محتوای آموزشی و جلوگیری از آموزش‌های محلی متعارض، محور اصلی سیاست‌گذاری است.
- در کشوری که چالش‌های فرهنگی و افراط‌گرایی تهدید بالقوه امنیت ملی است، تمرکز در آموزش معلم به عنوان ابزار حفظ یکپارچگی هویتی و سیاسی تلقی می‌شود. این تجربه برای ایران، که با مسائل امنیت نرم مواجه است، قابل تأمل است.

## اندونزی: الگوی تلفیقی در جامعه‌ای چندقومیتی

اندونزی با بیش از ۱۷۰۰۰ جزیره و بیش از ۳۰۰ گروه قومی، یکی از متنوع‌ترین کشورهای جهان از نظر بافت فرهنگی و مذهبی است. این کشور تلاش کرده تا تعادلی میان وحدت ملی و احترام به تنوع فرهنگی ایجاد کند.

### ویژگی‌های ساختار تربیت معلم در اندونزی:

- چارچوب برنامه‌های درسی معلمان توسط وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی تعیین می‌شود.
- دانشگاه‌های استانی اجازه دارند پیوسته‌های بومی متناسب با فرهنگ منطقه را به برنامه‌های اصلی بیفزایند.
- شاخص‌های نظارت و ارزشیابی عملکرد دانشگاه‌ها در سطح ملی تعیین و اعمال می‌شود.
- پژوهش‌های بومی و اجرای پروژه‌های تربیتی منطقه‌ای تشویق می‌شود.

الگوی اندونزی مبتنی بر یک ساختار مرکزی با اختیار منطقه‌ای محدود است که ضمن پاسخگویی به تفاوت‌های محلی، انسجام ملی و هویت فرهنگی را حفظ می‌کند.

بررسی این کشورها نشان می‌دهند که در جوامع متنوع، تمرکز سیاست‌گذاری تربیت معلم شرط ضروری برای حفظ وحدت فرهنگی، انسجام اجتماعی و امنیت ملی است. در عین حال، انعطاف اجرایی در سطح استان‌ها می‌تواند پاسخگویی به شرایط محلی را تقویت کند.

مدلی که ایران باید دنبال کند، باید هوشمندانه و متعادل باشد؛ نه تمرکز افراطی و نه تفکیک کامل. در واقع باید بر مبنای یک ساختار مرکزی هوشمند، فضای خلاقیت و بومی‌سازی در چارچوب سیاست‌های کلان نیز فراهم شود.

## نتیجه‌گیری

طرح «بازآرایی ساختار و سازمان دانشگاه فرهنگیان» (یک دانشگاه ملی و ۳۱ دانشگاه استانی) یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین تحولات پیشنهادی در ساختار نظام تربیت معلم در ایران در دهه اخیر به‌شمار می‌رود. این طرح، با هدف تمرکززدایی از دانشگاه فرهنگیان و تبدیل آن به ۳۱ واحد دانشگاهی مستقل در سطح استان‌ها، در پی افزایش پاسخگویی محلی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و ارتقای توانایی مدیریت استانی طراحی شده است. با این حال، اجرای چنین طرحی در بستری مانند نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران که ماهیتی سیاسی، فرهنگی، هویتی و تمدنی دارد، نیازمند در نظرگیری ملاحظات، دقت نظر فراوان، تحلیل چندبعدی و برنامه‌ریزی جامع است. چالش‌های جدی، عمیق و چندلایه‌ای نیز در اجرای این طرح وجود دارد. عدم همخوانی ساختار مصوب با رسالت و هدف احداث تربیت معلم و ویژگی‌های اختصاصی آن، تضعیف انسجام هویتی دانشگاه فرهنگیان و تضعیف شأن راهبری و حاکمیتی سازمان مرکزی دانشگاه، افت کیفیت ملی تربیت معلم به دلیل اختلاف منابع و نیروی انسانی در استان‌ها، کاهش هماهنگی سیاست‌های کلان و میدان و افزایش آسیب‌پذیری فرهنگی و امنیتی، مسائل و مشکلات متعدد اجرایی در سطوح ملی و استانی از جمله تهدیدات جدی محسوب می‌شوند. همچنین، تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تمرکززدایی بدون طراحی نظام نظارتی و کنترل کیفیت یکپارچه و مداوم، منجر به واگرایی تربیتی، نابرابری آموزشی و کاهش کارایی کلان خواهد شد. نبود زیرساخت‌های مالی، مدیریتی،

فنی و نرم‌افزاری در بسیاری از استان‌ها، از موانع کلیدی اجرای موفق این طرح به‌شمار می‌رود. مطالعات تطبیقی انجام‌شده در این پژوهش نیز نشان می‌دهد که کشورهایمانند آلمان و اندونزی، با وجود ساختارهای غیرمتمرکز، توانسته‌اند الگوی موفق از تربیت معلم ارائه دهند، زیرا همچنان سیاست‌گذاری، استانداردسازی و ارزشیابی در سطح ملی و مرکزی انجام می‌شود. در مقابل، نظام متمرکز فرانسه نیز تنها در سطح پیشنهاد به تمرکززدایی پرداخته و هنوز اقدامی اجرایی در این زمینه انجام نداده است. تجربه ترکیه و مصر نیز حاکی از آن است که حفظ اقتدار مرکز در امور راهبردی تربیت معلم، برای حفظ انسجام و جلوگیری از نفوذ جریان‌های واگرا ضروری است. در راستای برقراری تعادل میان اهداف طرح و ضرورت‌های امنیتی، فرهنگی و آموزشی، مدل پیشنهادی «نیمه‌متمرکز» می‌تواند راهکاری قابل‌اتکا باشد. در این مدل، دانشگاه فرهنگیان مرکزی به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار، ناظر و حافظ هویت ملی حفظ می‌شود و همزمان پردیس‌های استانی دارای اختیارات اجرایی و پژوهشی در چارچوب سیاست‌های کلان خواهند بود. طراحی برنامه‌های درسی دو سطحی (ملی و بومی)، تشکیل شورای عالی هماهنگی، ایجاد نظام ارزیابی یکپارچه، و تأمین مالی هدفمند، از ارکان حیاتی اجرای موفق این مدل است. در نهایت، می‌توان گفت که اصلاحات ساختاری، بدون شک طرحی مطلوب است، اما در صورتی می‌تواند به نقطه‌ی قوت برای نظام تربیت معلم تبدیل شود که با آمادگی کامل ساختاری، اجماع ملی، نظارت راهبردی، تأمین منابع پایدار و تعهد به اصول هویتی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران همراه باشد. بی‌توجهی به این الزامات، به قطع این طرح را به عاملی برای انحلال دانشگاه فرهنگیان، تضعیف و تهدید وحدت ملی و گفتمانی تربیت معلم، افت کیفیت آموزشی و نابرابری تربیتی در سطح کشور تبدیل کند. موفقیت این طرح، نه در تفکیک ساختاری صرف، بلکه در طراحی هوشمندانه، اجرای تدریجی، ارزیابی مستمر و هدایت عالمانه آن نهفته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران این حوزه، باتوجه به آنچه در این نقدنامه مطرح شد، اجرای این طرح را با قید فوریت متوقف کرده تا با استقرار آن مطابق آنچه بیان شد مشکلات بیشتری بر مشکلات دانشگاه اضافه نگردد.

## منابع

- خبرگزاری تسنیم، تحلیلی بر تمرکززدایی و مزایای اقتصادی و اجتماعی آن در نظام آموزش عالی ایران، به ویژه در زمینه طرح‌های جدید دانشگاه فرهنگیان.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران.
- مقام معظم رهبری. (۱۳۹۲). سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). اساسنامه دانشگاه فرهنگیان.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۴۰۲)، سیاست‌ها و ضوابط کیفیت بخشی دانشگاه فرهنگیان
- Eurydice - The European Education Information Network. European Commission, <https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/>.
- Ministère de l'Éducation nationale et de la Jeunesse. French Ministry of National Education, <https://www.education.gouv.fr/>.
- UNESCO. World Education Report. UNESCO, <https://www.unesco.org/>.
- OECD. Education Policy Reviews: France. Organisation for Economic Co-operation and Development, <https://www.oecd.org/education/>.
- Standing Conference of the Ministers of Education and Cultural Affairs of the Länder in the Federal Republic of Germany (KMK). KMK, <https://www.kmk.org/>.
- Mullis, Ina V. S., et al. TIMSS Encyclopedia: Teacher Education in Germany. TIMSS & PIRLS International Study Center, <https://timssandpirls.bc.edu/>.
- ResearchGate. ResearchGate, <https://www.researchgate.net/>.
- Federal Ministry of Education and Research (BMBF). BMBF <https://www.bmbf.de/>.
- Eurydice – The European Education Information Network. European Commission. <https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/>
- Standing Conference of the Ministers of Education and Cultural Affairs of the Länder (KMK), Germany. <https://www.kmk.org/>
- Federal Ministry of Education and Research (BMBF), Germany. <https://www.bmbf.de/>
- Ministère de l'Éducation nationale et de la Jeunesse, France. <https://www.education.gouv.fr/>
- OECD – Education Policy Reviews: France. <https://www.oecd.org/education/>
- UNESCO – World Education Report. <https://www.unesco.org/>
- TIMSS Encyclopedia: Teacher Education in Germany.

- **Mullis, I.V.S. et al., TIMSS & PIRLS International Study Center.**

<https://timssandpirls.bc.edu/>

- **ResearchGate: Comparative Education Studies – Egypt, Turkey, Indonesia**

<https://www.researchgate.net/>

- **World Bank – Teacher Policy Development Documents for Egypt, Turkey, Indonesia**

<https://www.worldbank.org/>

یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی علم نافع است. در تعلیم و تربیت کشور، علم سودمند، دانش سودمند باید تعقیب بشود. اینکه شما می‌گویید «آموزش و پرورش اصلاح باید گردد»، یکی از موادّ مهمّ اصلاحی، همین است که دانشی که در اینجا تعلیم داده میشود، دانش سودمند باشد؛ این جوان بتواند از این دانش، برای بهبود زندگی خود و جامعه‌اش و پیرامونیان خود استفاده کند؛ علم نافع این است. علم نافع، آن [علمی] است که ما را به اهدافمان نزدیک کند، حرکت ما را آسان کند، ما را پیش ببرد؛ علم نافع این است. آن چیزهایی که در ما روحیه‌ی حرکت ایجاد میکند، ما را شکوفا میکند، ظرفیتهای ما را به فعلیت میرساند، اینها علم نافع است. البته یکی از علوم نافع، آگاهی از تجربه‌های ملی و افتخارات کشور و عبرتها و درسهای تاریخ است که این هم جزو علوم نافع است. علم نافع آن چیزی است که ظرفیتهای ما را شکوفا بکند؛ این هم یک نکته.

بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان

۱۳۹۷/۰۲/۱۹